



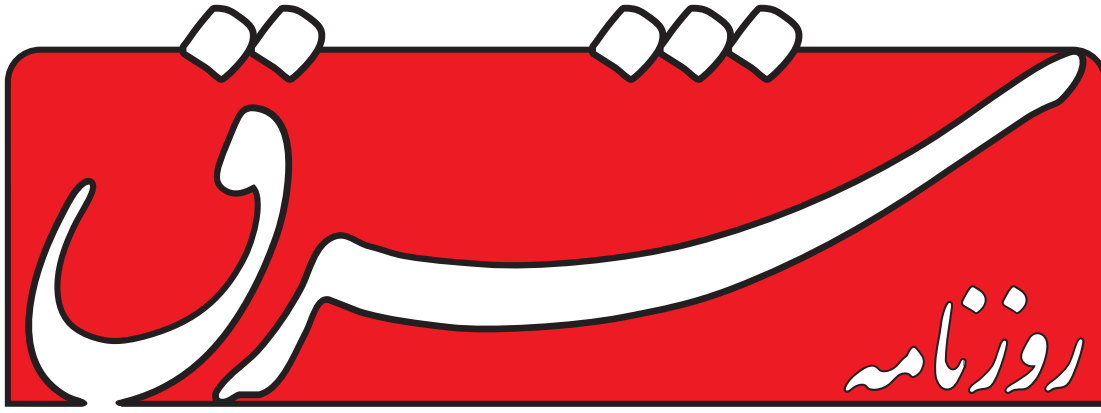
رئیس جمهور از همکاری حداکثری با شهرداری تهران گفت

### حمایت دولت از زاکانی

گروه سیاست: شهردار تهران هفته گذشته را پر فروغ پشت سر گذاشت؛ علیرضا زاکانی علاوه بر اینکه در اواسط هفته به عضویت هیئت امنای دانشگاه تهران درآمد، در آخر هفته به عنوان جانشین وزیر کشور در ستاد بحران تهران معرفی شد...

صفحه ۸

شنبه ۶ آذر ۱۴۰۰ • ۲۱ ربیع الثانی ۱۴۴۳ • ۲۷ نوامبر ۲۰۲۱



در نشست پیش همایش بزرگداشت آیت الله مطرح شد

### آیت الله سید جواد حسینی خامنه ای تجسمی از زهد و تقوا

گروه سیاست: در نشست پیش همایش بزرگداشت آیت الله حاج سید جواد حسینی خامنه ای که صبح دیروز به همت ستاد برگزاری بزرگداشت این عالم ربانی در مشهد برگزار شد، شخصیت این فقیه وارسته با حضور استادان و پژوهشگران...

صفحه ۲



سال نوزدهم • شماره ۴۱۵۴ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

### تترها

سایه جلیلی بر دولت رئیسی

### فصل مشترک بهزاد و سعید

صفحه ۲

### زن باردار قربانی تعارض منافع سیستم پزشکی؟

صفحه ۹

### عیش فرانسه با نابغه ایرانی

صفحه ۱۱

### علاقه اصولگرایان به دولت در سایه

صفحه ۲

### بیراهه در قانون گذاری

چرا برخی قوانین هرگز اجرائی نمی شوند؟

صفحه ۸

### ملزومات داوری در امر سیاسی

سخنرانی فرهنگ رایجی درباره هانا آرنز

صفحه ۶

### حرف اول

### فقر «پزشکی زاد» و نظام قیمت گذاری

منال اعتمادی\*

این روزها که به رسم همه ساله، بازنگری تعرفه بخش سلامت در دستور کار محافل سیاست گذاری عمومی است، بار دیگر نرخ رشد تعرفه ها به موضوعی چالش برانگیز در محافل فنی و سیاستی سلامت تبدیل شده است. آنچه نگران کننده است، اینکه گاه دامنه رشد با سقف نامحدود برای تعرفه ها به گوش می رسد. از این رو ضروری است که به موضوعی مهم در ادبیات سیاست گذاری سلامت بپردازیم: «فقر پزشکی زاد» (Iatrogenic poverty). این فقری است که از طب ناشی می شود و ضرورتا در پی یک بیماری خطرناک پدید نمی آید. ادبیات سیاست گذاری سلامت در ذیل این عنوان به اثرگذاری تعرفه ها بر فقر توسعه یافته است. چرخه معیوب (و معروف) فقر و بیماری و تمرکز عوامل خطر بیماریزا در فقرا شامل محیط زیست نامطلوب، تغذیه نامناسب، آموزش ناکافی، سبک زندگی نامناسب و دسترسی ناکافی به مراقبت های سلامت، به فراوانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این میان اما، کمتر به علل فقر ناشی از سلامت در مرحله سیاست گذاری تعرفه پرداخته شده و هنوز این موضوع برای سیاست گذاران و به ویژه نهاد پزشکی شناخته شده نیست. آموزش پزشکی توجه پزشکان را تنها بر پیامدهای سلامتی مداخلات خود معطوف کرده است؛ زمان آن است که بر پیامدهای رفاهی، اقتصادی و فقرزایی آن نیز متمرکز شویم. فقری که یک سوی آن مرگ با معلولیت نان آور خانواده، کاهش ظرفیت تولید درآمد و مصرف خانوار، توقف آموزش کودکان و تولید فقر بین نسلی است و سوی دیگرش مواجهه با هزینه های سنگین درمان. هزینه سلامت به عنوان مهم ترین دلیل سقوط خانوارها بر فقر شناخته شده است؛ فقری که از طب ناشی می شود. فقر پزشکی زاد. هزینه های ناشی از درمان یک فرد در خانوار شامل هزینه فرصت دریافت خدمت، تردد به مراکز ارائه خدمت و هزینه درمان، چالش مهم تولید فقر سلامت است. از استفاده از ذخیره احتیاطی خانوار (به فرض وجود چنین ذخیره ای)، مساعدت گرفتن از خویشاوندان و کاهش مصرف کالاهای ضروری تا فروش دارایی ها دامنه ای رنج آور و طاقت فرساست که اگر خانواده بتواند برحسب «شانس» از «شوک» مالی یک بیماری خارج شود، بیماری بعدی قطعا تله فقر آنها خواهد بود. حداقل ۹ درصد تولید ناخالص داخلی کشور و یک چهارم بودجه عمومی دولت صرف سلامت می شود. ۵۴ درصد هزینه های جاری سلامت ما خصوصی و عمدتا «پرداخت از جیب» است.

ادامه در صفحه ۴

### کارشناسان و تحلیلگران اجتماعی در کلاب «شرق» از راه حل های مهم ترین بحران ایران گفتند

### با ابرچالش کم آبی چه باید کرد؟

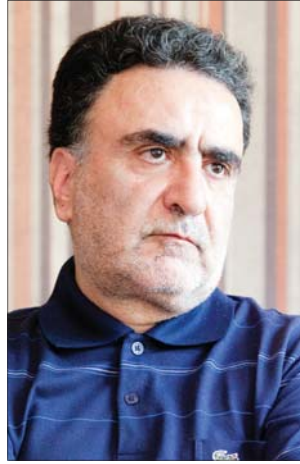


صفحه ۴

مواجهه لاریجانی با شورای نگهبان همچنان ادامه دارد

# پاسخ ۳۰ صفحه ای لاریجانی

صفحه ۲



### یادداشت

### دولت و ضرورت بازنگری در سیاست فقرزدایی



ناصر ذاکری کارشناس اقتصادی

است که دولت ها در چهار دهه گذشته نتوانسته اند فرصت اشتغال مولد را برای همه شهروندان جویای شغل ایجاد کنند و کشور در عین برخورداری از ثروت و نعمت فراوان با رکود اقتصادی و گسترش سریع فقر روبه رو شده است. در چنین شرایطی طبعا دولت باید برای حمایت از خانوارهای کم درآمد که برای تأمین مخارج زندگی خود گرفتار مشکل شده اند، چاره ای بیندیشد. اما حتی اگر توفیقی در این مسیر نصیب دولت شود، تازه به معنی اداره کشور از طریق پرداخت یارانه و نه ایجاد رونق و شکوفایی است و چنین موفقیتی حتی اگر قابل کسب هم باشد، به تعبیر ایشان «مایه تنگ» است. در نگاهی تحلیلی به کارنامه اقتصادی کشور در دهه های گذشته، می توان چهار اتفاق یا انتخاب زیر را به عنوان ابعاد مربع گسترش فقر در کشور و مسبب شرایط پیش آمده شناسایی کرد:

- ۱- بسته شدن دروازه رونق اقتصاد ملی: بروز دشواری در مسیر تجارت خارجی و سپس تحمیل تحریم های ظالمانه از یک سو تولیدکنندگان داخلی را از بازارهای منطقه محروم کرده و فرصت کسب سود و ثروت اندوزی را که شرط لازم بقا در میدان کارزار اقتصادی امروز است، از آنان و در اصل از اقتصاد ملی گرفته است. از سوی دیگر دشواری های روبه فزونی در مسیر تأمین کالاهای واسطه ای موجب افزایش سریع هزینه های تولید شد. طبعا در چنین شرایطی امکان رشد بخش مولد اقتصاد کاهش می یابد و کشور از ایجاد فرصت اشتغال مولد برای جویندگان شغل محروم می شود.

ادامه در صفحه ۸

### یادداشت

### دل بردن یا زهره ترکاندن؟



نعمت الله اکبری استاد اقتصاد دانشگاه امسلفان

چرا در رتبه تورم یکی از ۱۰ کشور اول دنیا هستیم؟

چرا نرخ بی کاری در کشور ما دورقمی است؟

چرا سهم بهره دوری در رشد اقتصادی کشور ما در چهار دهه گذشته صفر بوده است؟

چرا نرخ سرمایه گذاری خالص، در دهه های گذشته صفر یا منفی بوده است؟

اما چرا در توان نظامی در سال های اخیر بر اساس گزارش مؤسسه گلوبال فایر پاور رتبه دهم دنیا هستیم؟

پاسخ این پرسش ها را رئیس جمهور محترم تلویحا بیان کرده است: چون ما توان و انرژی خود را صرف توانمندسازی دفاعی و نظامی کرده ایم! حال بیاید به مهم ترین نماگرها از شاخص های اقتصادی، اجتماعی، و دفاعی-امنیتی (بر اساس داده های نهادهای بین المللی) توجه کنیم و بررسی تطبیقی بین ایران و سایر کشورها انجام بدهیم.

در گروه شاخص های اقتصادی به نماگرهایی چون: رشد اقتصادی، تورم، بی کاری، بهره دوری، درآمد سرانه، سرمایه گذاری مستقیم خارجی، فضای کسب و کار و شاخص جهانی رقابت پذیری.

در گروه شاخص های اجتماعی، به نماگرهای توسعه انسانی، نماگر کامیابی لگاتوم و حکمرانی خوب.

در گروه شاخص های دفاعی-امنیتی به شاخص قدرت نظامی خواهیم پرداخت.

- ۱- بر اساس مقایسه تطبیقی در گروه شاخص اقتصادی، رشد اقتصادی ایران در چهار دهه گذشته (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۹) هیچ گاه به نرخ مورد نظر در برنامه های پنج ساله نرسیده و در مقایسه با کشورهای مانند چین، هند، کره جنوبی، تایوان، مالزی و ترکیه فاصله قابل ملاحظه ای داشته است.
- ۲- به لحاظ وضعیت تورم در ایران در چهار دهه گذشته اقتصاد ایران یکی از ۱۰ کشور دارای تورم بالا و دورقمی بوده است. در حالی که در چهار دهه گذشته شما موشک می سازی و در اروپای غربی و آمریکای شمالی حدود دو درصد، در کشورهای نوظهور کمتر از هشت درصد بوده است. در ایران (به جز برخی سال ها) در چهار دهه گذشته تورم دورقمی و حتی در برخی سال ها تا ۴۰ و ۵۰ درصد را شاهد بوده ایم.
- ۳- نرخ بی کاری نماگر دیگری است که وضعیت اقتصادی یک کشور را به خوبی نشان می دهد. در چهار دهه گذشته تمامی برنامه های پنج ساله در پی تحقق نرخ بی کاری تکرریمی بوده اند، اما آمارها نشان دهنده نرخ بی کاری دورقمی است و اقتصاد ایران به ندرت نرخ بی کاری تک رقمی را تجربه کرده است.

ادامه در صفحه ۲

### سرمقاله

### ایران در غیاب هژمونی

احمد غلامی . سردبیر



ما در سیاست خارجی و روابط بین دولت ها با تغییرات ناخوسته در سطح جهان روبه رو هستیم. دیگر جهان امروز جهانی دوقطبی یا حتی چندقطبی نیست. می توانیم از چین و روسیه و آمریکا به عنوان قدرت های بزرگ و جهانی نام ببریم، اما این قدرت ها کارکرد پیشین خود و اثرگذاری سابقشان را از دست داده اند. تفکر سرمایه داری به معنای واقعی با اینکه بر بخش زیادی از جهان سیطره دارد و از یک آشخور فکری یعنی اندیشه لیبرالی نشئت می گیرد، اما این اندیشه در میان کشورها با تفاوت ها و بازتاب های بسیاری روبه رو است و هر دولت مرکزی و پیرامونی با سلیقه و امکانات خاص خود آن را تعریف می کند و به کار می بندد. خاصه آنکه آمریکا هژمونی سابق خود را از دست داده است و امروز حرفزدن از رهبری جهانی با اندیشه لیبرالی و اقتصاد بازار آزاد کار دشواری است، چنان که روسیه بعد از فروپاشی، سیطره اندیشه سیاسی و اقتصادی اش را بر جامعه جهانی و کشورهای پیرامونی از دست داده است و چین به ندرت از سیطره فکر و فرهنگ خود در جهانسان و کشورهای پیرامونی سخنی به میان می آورد. رهبری چین بیش از آنکه مستظهر به مانیفستی در راستای فرهنگ و سنت کمونیستی آن باشد، در همکاری های اقتصادی تجلی پیدا می کند. در نگاه کل نگر، اروپا را هم می توان در این بستر سنجید و از آن حرف زد. حال اگر بخواهیم برای این وضعیت مصداقی پیدا کنیم، هیچ کشوری به اندازه افغانستان نمی تواند راستی و درستی این وضعیت را تبیین کند. خاصه با عقب نشینی شتاب زده آمریکا پس از ۲۰ سال حضور در این کشور آن هم بدون فشار جدی داخلی و جهانی معنایی جز افول هژمونی و حتی سلطه آمریکا ندارد. آنچه ماجرای افغانستان را ترسانک کرد، بیش از چهره های غبارگرفته و بدوی جنگجویان طالبان، آگاهی به اسقاط هژمونی در روابط بین الملل است. اینک پرسش اساسی این است که چرا خاورمیانه به یک باره بعد از بازگشت طالبان از خواب آشفته بیدار شده است و نگران به آینده این کشور چشم دوخته است و هر حرفه ای را معجزه های می بیند که شاید افغانستان به وضعیت سابق خود بازگردد؛ اما هرچه گذشت توهم این انتظار بیش از پیش فرو ریخت و چشم های نگران ترجیح دادند افغانستان را از یاد ببرند، چراکه این کابوس به دلیل اسقاط هژمونی در جهان می تواند امروز به شیوه ها و دلایل گوناگون برای دیگر کشورها تکرار شود. به تعبیر تریبیل «از نظر تاریخی محمل های هژمونی دولت ها بودند و جوهر دولتی قدرت است. در این میان هر دولت قوی و سلطنتی قصدش تحمیل قدرت در دولت های دیگر است. در شکل خام و ابتدایی اش از طریق به انقیاد آوردن همسایگان خود و در شکل پیشرفته و ظریف تر از طریق گسترش نفوذ خود بر آنها. هژمونی شکل مستحکمی از است در فاصله میان سلطه و نفوذ. هژمونی رهبری تأیید شده ای است که رهبری شونده گان بر آن توافق دارند». اگر بخواهیم با این تعریف و با این الگو پیش برویم بسیاری از کشورها در سطح جهانی و منطقه ای با بحران هژمونی و حتی سلطه روبه رو هستند. از این گفته که متکی بر دانش پیشینی است می خواهم استدلال کنم وضعیت تابسان منطقه ای و جهانی ما، حاصل غیاب هژمونی و به معنای دقیق تر آن از کار افتادگی دستگاه هژمونی است. حالا اگر بخواهیم با این صورت بندی حضور ایران در منطقه را ارزیابی کنیم با پرسش های جدی تری روبه رو خواهیم بود که پاسخ عینی دادن به آنها کار ساده ای نخواهد بود.

ادامه در صفحه ۲

خورشید همیشه از شرق طلوع می کند شبکه شرق، باشما

@sharghDaily | @shargh1 | sharghonline.com

